

همه اصرارها برای فرار از افول

تلاش برای پاسخ به یک پرسش،
«آیا ایالات متحده آمریکا یک امپراتوری در حال افول است؟»

و جمهوری خواهان، نتوانستند حتی مانع از آن شوند که دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده شود. برای مؤسسه فارن پالیسی در واشنگتن، همه این‌ها سؤال بسیار سختی را مطرح می‌کند که آیا ایالات متحده آمریکا یک امپراتوری در حال افول است؟ برخی تأکید دارند که جواب این سؤال، بله است؛ زیرا دوره استیلای جهانی ایالات متحده که از اواخر جنگ سرد شروع شده بود، در حال رسیدن به پایان عصر خود است.

در حال حاضر، اوضاع چنین است: امسال، «شورای اطلاعات ملی» این گزارش را ارسال کرد که «دوره پس از جنگ سرد یا همان دوره تک قطبی گذشته است». مقامات سیا، جان ای. مک لاگالین و ژنرال دیوید اچ پترائوس، در برابر کمیته خدمات نظامی مجلس در فوریه گذشته، ارزیابی مشابهی داشتند. مک لاگالین گفت: «در سال‌های

مردم این‌گونه نیست؛ و این‌گونه نخواهد شد». با این حال، باید گفت که این متن، هرچند تلاشی برای رد نظریه افول آمریکا بوده، اما خود در میدان افول در حال حرکت است و به نوعی می‌توان آن را در قلمرو تبیین گفتمان افول امپراتوری آمریکا دانست.

مؤسسه فارن پالیسی، همچنان اطمینان دارد که می‌تواند ایالات متحده را وارد عصر جدیدی از برتری جهانی کند. علائم هشداردهنده را می‌توان در هرجایی مشاهده کرد. روسیه در حال احیاء، در حال اجرای قدرت خود در اروپای شرقی و خاورمیانه است. چین در حال رشد، در حال گسترش دسترسی خود به کشورهای همجوارش است. دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، کنترل بخش‌های بزرگی از عراق و سوریه را در دست دارد. دمکرات‌ها

متن زیر یادداشتی از ادوارد هانت^۱ (دارای دکتری مطالعات آمریکا از کالج ویلیام و ماری نویسنده در مجلاتی چون ژاکوبین) است که تحت عنوان «امپراتوری آمریکا در حال افول نیست^۲»، در سال ۲۰۱۷، در نشریه ژاکوبین منتشر نموده و به نوعی در تلاش است تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا ایالات متحده آمریکا یک امپراتوری در حال افول است؟ همچنین، این نظریه را مورد تردید قرار می‌دهد تا جایی که در بیانی احساسی به گفته جان کری،^۳ وزیر امور خارجه دوره دوم ریاست جمهوری باراک اوباما استناد می‌کند که «اوه خدایا! نظم جهان در حال فروپاشی است و چنین و چنان. نه! ای

1 - Edward Hunt

2 - The American Empire Isn't in Decline

3 - John Forbes Kerry

پیش‌رو جهان بدون یک قدرت مسلط خواهد بود؛ یعنی کشوری وجود نخواهد داشت که آن قدر قدرتمند باشد تا اعمال نفوذ غالب و پیش‌بردن سیاست جهان را بدون رجوع‌اندک به دیگران داشته باشد». پترائوس موافق بود و می‌گفت که عصر پس از جنگ سرد و «استیلای آمریکا بر جهان»، در حال پایان است. با این حال، دلایلی وجود دارد که به این شکل فکر نکنیم. همان‌طور که دیپلمات پیشین، نیکلاس برنز نیز اخیراً گفته است، ایالات متحده «متحدان خود را در اروپا و آسیا خواهد داشت، اما روسیه و چین خیر». به علاوه، نیروی نظامی آمریکا شروع به نابودسازی دولت اسلامی عراق و شام (داعش) کرده و در دو سال و نیم گذشته، بیش از ۶۰ هزار جنگجوی آن را از بین برده است. بنابراین آیا روسیه در حال احیاء، چین در حال صعود و ظهور دولت اسلامی (داعش) به معنای آن است که قدرت ایالات متحده در حال زوال است یا اینکه، این مشکلات بزرگ‌نمایی می‌شوند؟ در مورد این موضوعات، مقامات آمریکایی واقعاً چگونه فکر می‌کنند؟

اگرچه بیانات عمومی این مقامات به عنوان یک امر کلی نگاه کنیم، موسسه فارن پالیسی بدون تردید در مورد تازه‌ترین چالش‌های امپراتوری ایالات متحده نگرانی‌هایی دارد، به‌ویژه عدم قطعیتی که با انتخاب ترامپ به وجود آمده است؛ اما

این مقامات به قدرت خود برای شکل‌دهی به دنیا و هدایت ایالات متحده به عصر جدیدی از برتری جهانی نیز مطمئن هستند.

ابرقدرت دنیا

در طی چند سال گذشته، تعدادی از مقامات عالی‌رتبه اطمینان خود را به تداوم برتری ایالات متحده ابراز کرده است و گفته‌اند که ایالات متحده، همچنان قدرت مسلط در آینده خواهد بود. آنان نه تنها بررد کردن نظریه افول‌گرایی (افول آمریکا) پافشاری می‌کنند، بلکه استدلال دارند که ایالات متحده در آینده، به خوبی قدرت غالب جهان باقی خواهد ماند. در ماه می ۲۰۱۶، دو مقام عالی‌رتبه سابق، دیدگاه مطمئن‌تری در کمیته روابط خارجی مجلس سنا مطرح کردند. وزیر خارجه پیشین، جیمز بیکر، در بیانیه‌ای گفت که ایالات متحده همچنان رهبری نظام بین‌المللی را خواهد داشت. بیکر اضافه کرد: «قطعاً بخش عمده بقیه دنیا (کشورهایی مانند چین، برزیل و هند) در حال رسیدن به ما هستند». او در ادامه گفت: «فعالاً باید رهبر بلامنازع دنیا برای آینده‌ای قابل پیش‌بینی باقی بمانیم.»

توماس دانیلون مشاور امنیت ملی پیشین نیز، با این دیدگاه موافق است. او می‌گوید: «تا زمانی که ایالات متحده هشدارهای مناسب را می‌پذیرد، همچنان پیش‌تاز جهان

و قدرتمندترین ملت در زمان‌های طولانی پیش‌رو خواهد بود.» به علاوه دانیلون، نظریه افول‌گرایی را رد می‌کند و آن را «افسانه‌ای» می‌نامد که نباید خیلی به آن اهمیت داد. او اظهار می‌کند: «ایده رو به افول بودن آمریکا منطبق بر یک تحلیل دقیق از ترانزنامه ملی دارایی‌ها و دیون راهبردی ما نیست. حقیقت آن است که هیچ کشوری نمی‌تواند با توانمندی‌هایی که همیشه داشته‌ایم، رقابت کند.» دیگر مقامات دولت او با ما نیز دیدگاه‌های مشابهی داشتند. به عنوان مثال در اکتبر گذشته، جان کری، وزیر امور خارجه اشاره کرد که ایالات متحده دارای مزیت‌های اقتصادی عظیمی است. او گفت: «ما ثروتمندترین کشور روی این سیاره هستیم». در واقع دولت او با ما گام‌های بلندی را برای توسعه قدرت اقتصادی ایالات متحده در سراسر دنیا برداشت. رئیس‌جمهور او با ما در آخرین ماه‌های ریاستش اعتراف کرد که «گشودن بازارهای جدید در ماورای دریاها، اولویت وی بوده است». همچنین تأکید کرد که دولت او «صادرات ایالات متحده را به بقیه دنیا بیش از ۴۰ درصد افزایش داد که این، یک رکورد به حساب می‌آید.»

در همان حال، مقامات دولت نیز به دیگر مزیت عمده ایالات متحده در جهان اشاره کرده‌اند؛ یعنی قدرت نظامی آمریکا. در همین راستا، اشتون کارتر، وزیر دفاع در آوریل

در اوایل سال گذشته، کارترین استدلال اساسی را بیان کرد و آخرین رویه‌ها را تحت عنوان «بازگشت به رقابت از راه‌های دیگر برای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ» توصیف کرد. او گفت: کشور باید برای رویارویی‌های جدید با چین و روسیه، بدون آنکه لطمه‌ای به توان آمریکا برای جنگ با تروریسم وارد شود، آماده باشد. کارتر گفت: «این کشورها رقبایی هستند که بیش از همه برای کشور ما مایه نگرانی هستند، زیرا هر دو سیستم نظامی خود را توسعه داده و همچنان در حال توسعه آن هستند و می‌توانند، منافع ما را در مناطقی خاص تهدید کنند.»

چین: نگاهی دقیق‌تر

بسیاری از مقامات در واشنگتن، نگران هستند که ممکن است چین جای آمریکا را به عنوان قدرت مسلط در منطقه اقیانوس آرام بگیرد. در ژوئن گذشته، برن ان‌گونه هشدار داد: «چین قدرتی در حال رشد و دارای نفوذ اقتصادی، سیاسی، نظامی و حضور روزافزون است.» او اشاره کرد که چین، به گسترش حضور خود در دریای چین جنوبی ادامه می‌دهد و دریای چین جنوبی منطقه‌ای است که مقامات ایالات متحده، آن را یک مسیر حمل‌ونقل می‌دانند. برن ان گفت: «دلیلی وجود دارد که ایالات متحده به اقدامات چین در برخی جبهه‌ها توجه کند و این

روبرو شدن با طیفی چنین گسترده از مخالفان، نخبگان فارن پالیسی تلاش کرده‌اند تا بررسی کنند چگونه می‌توان با جدیت، با هریک از این رقیبان روبرو شد و بررسی نمایند که آیا دشمنان کنونی و بالقوه می‌توانند به صورت چشمگیر تسلط آمریکا بر جهان را تضعیف کنند یا خیر؟ در بیشتر موارد، این نخبگان، بر روی موضوع تروریسم توافق دارند. هرچند رهبران آمریکا به طور معمول تروریسم را به عنوان بزرگ‌ترین گرفتاری دنیای مدرن می‌دانند، اما آن را چالش عمده هم به حساب نمی‌آورند. در نوامبر گذشته، یکی از مقامات وزارت خارجه، دانیل سرور، هشدار داد که «ما نباید تروریسم را در حد یک تهدید حیاتی بالا ببریم. تروریسم یک تهدید حیاتی نیست.» یک ماه بعد، او با اذعان کرد که دولت اسلامی (داعش) و گروه‌های دیگر، هرگز نخواهند توانست آمریکا را به تسلیم وادارند. او اظهار داشت: «امروزه تروریست‌ها می‌توانند بی‌گناهان را بکشند، اما نمی‌توانند برای کشور ما تهدیدی حیاتی باشند.» در مقابل، مقامات نسبت به مشکلات دیگر، نگرانی بیشتری پیدا کرده‌اند. آن‌ها نگاه سنتی‌تری به دنیا دارند و تا حدود زیادی به این نتیجه رسیده‌اند که قدرت‌های در حال ظهور در نظام بین‌المللی، در حال حاضر جدی‌ترین تهدید در مقابل برتری ایالات متحده هستند.

۲۰۱۵، اظهار داشت: «چندین دهه طول خواهد کشید (تکرار می‌کنم چندین دهه) تا کسی بتواند توان نظامی در حد توان نظامی امروز ایالات متحده به دست آورد.» او با ما نیز در سفر دوره‌ای خداحافظی خود اظهارات مشابهی داشت. او اعلام کرد: «بزرگ‌ترین نیروی نظامی در طول تاریخ، متعلق به ایالات متحده است.» وی ادامه داد: «اشتباه نکنید، حتی با وجود مشکلات سال‌های اخیر و البته مشکلاتی که وجود داشته است، متحدان و مخالفان ما به یک اندازه می‌دانند که تاکنون، نیروهای نظامی ایالات متحده، توانمندترین نیروی رزمی روی زمین بوده‌اند.» به طور خلاصه، برخلاف افرادی که نسبت به افول استیلای آمریکا هشدار می‌دهند، مقامات بلندپایه تأکید می‌کنند که ایالات متحده همچنان قدرتمندترین کشور دنیا خواهد بود. جان برنان، مدیر سیا در سپتامبر گذشته گفت: «بدون تردید، ما ابرقدرت دنیا هستیم.»

چالش‌ها

البته، هر قدرت بزرگی با چالش‌هایی روبرو است؛ حتی ایالات متحده قدرتمند نیز از پس روی و افول در امان نیست. همان‌طور که کارتر در نوامبر گذشته گفت، ایالات متحده با دشمنانی روبرو است که «رقیب افراطی» هستند؛ از تروریست‌ها گرفته تا «مخالفان قدرتمند و برتر». برای



دلیل، آن است که ما نیز در آن جبهه‌ها هستیم.»
چند ماه بعد، دو تن از مقامات عالی‌رتبه موضوع را صریح‌تر مطرح کردند. کارتر، وزیر دفاع و ژوزف دان فورد، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح، در کمیتهٔ نیروهای مسلح مجلس سنا اعلام کردند که اکنون

چین و ایالات متحده در برابر همدیگر صف‌آرایی کرده‌اند. تام کاتن، سناتور ایالت آلاباما پرسید: «ژنرال دانفورد، آیا ما در رقابت با چین برای باقی ماندن به عنوان قدرتی بزرگ هستیم؟» دانفورد در پاسخ گفت: «بله سناتور، هستیم.» کارتر نیز این

نظرا تأیید کرد و گفت: «قطعاً این موضوع درست است.»
در اوایل ژانویه، وزیر امور خارجه، جان کری، اظهار داشت که در نهایت چین، از ایالات متحده به عنوان قدرت پیشرو اقتصادی پیشی خواهد گرفت. کری اظهار کرد: «ما قوی‌ترین کشور روی زمین هستیم.

روسیه: نگاهی دقیق‌تر

همین مقامات دولتی با چالش مهم دیگری نیز برای برنامه‌های خود روبرو هستند: روسیه. در ژوئن گذشته، برناب در اظهاراتی خطاب به کمیته منتخب اطلاعاتی سنا هشدار داد: «روسیه همسایگان خود را تهدید می‌کند و با خشونت در حال اثبات دوباره خود در صحنه بین‌المللی است.» ماه بعد، سیاستمداری به نام الکساندر ورشبو، اظهاراتی روشن‌تر بیان کرد و توضیح داد که ایالات متحده و روسیه یک بار دیگر در حال رقابت برای نفوذ در اروپا هستند. ورشبو گفت: «متأسفانه ما اکنون دریافته‌ایم که در حال یک رقابت طولانی - که من آن را رقابت راهبردی بلندمدت می‌نامم - با روسیه هستیم.» اوایل همین سال، متیس، شدیدترین هشدار را داد که روسیه خطر عمده برای نظم جهانی است. او گفت: «به نظر من تهدیدهای اصلی از جانب روسیه شروع خواهد شد.» در همان زمان، مقامات آمریکایی می‌گویند که رقابت با روسیه تا حدود زیادی یک جانبه است. در حالی که آن‌ها روسیه را به چشم رقیب می‌بینند، همزمان تأکید می‌کنند که این کشور، قدرت بسیار کمتری از ایالات متحده دارد.

در آوریل ۲۰۱۶، سفیر ایالات متحده در سازمان ناتو، داگلاس لوت، اظهار داشت که این روسیه است که وارد دوره‌ای از افول شده، نه

راهبردی خود را در دریای چین جنوبی تغییر دهد. کری توضیح داد که «ما در دریای چین جنوبی توانسته‌ایم آزادی کشتیرانی را برای همگان روشن کنیم. ما توانسته‌ایم به دعوی چین رسیدگی کنیم.» در واقع، ایالات متحده توانسته است موقعیت برتر خود را در سراسر منطقه اقیانوس آرام حفظ کند. در دسامبر گذشته، کارتر گفت که ایالات متحده «قوی‌ترین نیروی نظامی و قدرت منطقه است و مدتی طولانی نیز چنین خواهد ماند.» مقامات دولت ترامپ، اشاره کرده‌اند که ممکن است از نیروی نظامی برای رویارویی با چین استفاده کنند. در ماه ژانویه، رکس تیلرسون در سخنرانی رأی اعتماد برای وزارت خارجه گفت: ایالات متحده بیش از این تلاش‌های چین را برای به دست گرفتن کنترل دریای چین جنوبی تحمل نخواهد کرد. او گفت که «ما می‌خواهیم پیامی روشن برای چینی‌ها بفرستیم که اول از همه، جزیره‌سازی باید متوقف شود و دوم، اجازه دسترسی شما به این جزایر داده نخواهد شد.» به طور خلاصه، مقامات آمریکایی به دلیل قدرت چین، چندان آشفته نشده‌اند. اگرچه هنوز هم نگران هستند که ممکن است روزی برسد که چین، برتری آمریکا را به چالش بکشد، اما تا حدود زیادی نیز مطمئن هستند که چین، همچنان در منطقه به‌عنوان دومین قدرت باقی خواهد ماند.

در عین حال، بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا نیز هستیم؛ اما در نهایت چین، به دلیل مزیت وسعت خود، جای ما را خواهد گرفت.» با این حال، مقامات ایالات متحده نیز از توان خود برای رویارویی با چین مطمئن هستند. در حالی که بسیاری چین را رقیبی برای کسب قدرت بزرگ می‌دانند - که هدفش قدرتمند شدن بیشتر است - استدلال کرده‌اند که ایالات متحده در روابط دوجانبه، دست برتر خواهد داشت.

در جولای ۲۰۱۶، جوبایدن، معاون رئیس‌جمهور، مثالی ارائه داد، وی یادآوری کرد که بعد از تلاش دولت چین برای ایجاد و تعیین منطقه پرواز ممنوع در منطقه مورد مناقشه در دریای چین شرقی، ایالات متحده تسلط خود را تثبیت کرده بود. طبق گفته بایدن، رئیس‌جمهور چین، شی، از او پرسیده بود: «شما از من انتظار دارید چه کار کنم؟» بایدن در پاسخ گفته بود: «نمی‌خواهم کار زیادی انجام دهید، اما همان‌طور که می‌دانید، هواپیماهای بی ۵۲ ما از آن منطقه عبور می‌کنند. ما داریم می‌آییم.» به عبارت دیگر، بایدن به رئیس‌جمهور چین گفته بود که صرف نظر از هرگونه حق هوایی که جدیداً اعلام شده است، ایالات متحده به استفاده از این منطقه، ادامه خواهد داد. از آن زمان، مقامات نیز به توان خود برای کنترل بیشتر چین افزوده‌اند. در سپتامبر گذشته، جان کری، با افتخار گفت که چین نتوانسته است محاسبات

ایالات متحده. او توضیح داد: «حسی وجود دارد. بله، حس جدیدی وجود دارد که ممکن است روسیه، خشن‌تر و مصمم‌تر باشد، اما روسیه، اساساً دولتی در حال افول است.» چند ماه بعد از آن، الیسا اسلاتکین، یکی از مقامات وزارت دفاع، اظهاراتی مشابه ایراد کرد. وی قبل از اینکه اشاره کند که کرملین با محدودیت‌های زیادی رویه‌رو است، گفت که روس‌ها «در حال عمل کردن از موضع ضعف» هستند. او گفت: «به نظر من ترکیب تحریم‌های اقتصادی به دنبال حوادث شبه جزیره کریمه و شرق اکرین، به علاوه قیمت پائین نفت، واقعاً به روس‌ها آسیب رسانده است.» او ادامه داد که ایالات متحده نباید «رقیب خود را بیش از حد بزرگ جلوه دهد.» معنای گفته‌اش این است که اسلاف وی این کار را با اتحاد جماهیر شوروی انجام داده‌اند. اسلاتکین تأکید کرد که «روس‌ها آسیب‌ناپذیر نیستند، آن‌ها از موضع قدرت عمل نمی‌کنند.» مقامات عالی‌تر در دولت اوپاما نیز، همین دیدگاه را داشتند. در همین اکتبر گذشته، جان کری، گفت که روسیه، او را به هراس نینداخته است. کری گفت: «من نمی‌نشینم که در مورد روسیه سروصدا کنم.» اوپاما نیز این ایده را که روسیه مشکل اصلی است، رد کرد و حتی بعد از اینکه اتهامات مربوط به دخالت روسیه در انتخابات فاش شد، اوپاما گفت: «روس‌ها نمی‌توانند ما را تغییر دهند یا تضعیف کنند.

آن‌ها کشور کوچک‌تر و ضعیف‌تری هستند.» در اصل، به نظر می‌رسد که نخبگان موسسه فارن پالیسی از این موضوع، مطمئن هستند که در عین حال که روسیه به عنوان یک رقیب، در بسیاری از مسائل خود را نشان داده، کارهای آن‌ها از موضع ضعف است. همان‌طور که ویلیام برنز، سفیر پیشین ایالات متحده در روسیه، اوایل امسال گفت: «من فهمیدم که ما به مراتب، دست برتری برای بازی با آقای پوتین داریم، نه او برای بازی با ما.»

آخرین نگرانی: ترامپ

تنها موضوعی که در حال حاضر واقعاً موجب نگرانی موسسه آمریکایی فارن پالیسی شده، دونالد ترامپ است. از زمان انتخاب وی، مقامات تلاش می‌کردند با رئیس‌جمهوری کار کنند که تا حد زیادی با این مؤسسه - که بر روی سیاست خارجی آمریکا کار می‌کند - ناآشنا و شاید متخاصم است. در روزهای بعد از انتخابات، هراس مؤسسه از ترامپ، آشکار و زیاد بود. سلسله سرمقاله‌های نیویورک تایمز، این نگرانی فزاینده را بازتاب می‌داد: «پیروزی دونالد ترامپ به معنای پایان نظم بین‌المللی است.» «عدم قطعیت در مورد سیاست خارجی دونالد ترامپ، خطر بی‌ثباتی در جهان را به دنبال دارد.» «پایان امپراتوری.» نگرانی اصلی موسسه فارن پالیسی این بود که انتخاب ترامپ، نشانه‌ای باشد از شروع یک

افول درونی. ویت تان نگوین - که یک نویسنده است - اظهار داشت که «امپراتوری از درون فاسد می‌شود، حتی اگر امپراتورها، بربرها را برای این افول مقصر بدانند.»

این نگرانی‌ها تا حدی شدت یافت که اوپاما با حس مسئولیت ویژه به آن ورود پیدا کرد تا اطمینان دهد که ترامپ، آنچه را که اهالی واشنگتن از وی انتظار دارند، به خوبی درک می‌کند. اوپاما توضیح داد: «به نظر من فکرو توصیه عمده‌ای که می‌توانم به رئیس‌جمهوری بعدی بگویم این است که ایالات متحده واقعاً ملتی جدائی‌ناپذیر در نظم جهانی ما است.» آنتونی جی. بلینکن، معاون وزیر امور خارجه، با تأکید بر همین نکته، مقاله‌ای برای یواس ای تودی با عنوان «آمریکائیان باید با دنیا مشارکت کنند» نوشت. بلینکن در این مقاله هشدار داد که اگر ایالات متحده از صحنه بین‌المللی عقب بنشیند، آشوب ادامه خواهد یافت و وضعیت شهروندان، «بدتر» خواهد شد.

درواقع، مقامات آمریکایی تا حدودی از تأثیری که ریاست‌جمهوری ترامپ برای طرح‌های آنان برای جهان داشت، ترسیده بودند. در رأس همه چیزهایی که ترامپ در طول مبارزه انتخاباتی خود گفته و انجام داده است، این بود که آن‌ها ترسیدند رئیس‌جمهور جدید نداند چگونه قوی‌ترین کشور دنیا را اداره کند و چگونه تداوم امپراتوری



ایالات متحده را تضمین نماید. به گفته سیاستمداری به نام رایان کروکر، رویکرد ترامپ «می‌توانست به یک بحران جهانی منتهی شود.»

چشم‌انداز نهایی

به‌رغم همه این نگرانی‌ها، مقامات ایالات متحده مایل بودند که فرصت

هدایت کشور را در اختیار ترامپ بگذارند. در طی چند ماه گذشته، رهبران کشور هرکاری که در حیطه خود توانسته‌اند، انجام داده‌اند تا ترامپ را برای این جایگاه جدید آماده کنند. قابل ذکر است که او با ما نقش ویژه‌ای در استقبال از ترامپ تا واشنگتن داشت. تنها چند روز

پس از انتخابات، او با خوشحالی و رضایت خاطر، انتخاب رئیس‌جمهور را تحسین کرد تا از اختلافات ایدئولوژیک بگذرد. رئیس‌جمهور پیشین گفت: «فکر نمی‌کنم که او ایدئولوژیک باشد. در نهایت معتقدم، او در این راه عمل‌گرا است و می‌توانم تا زمانی که افراد مناسب در اطرافش

حضور دارند و معنای روشنی از مدیریت دارد، در کنار او باشم.» در هفته‌های بعد، او با ما از مردم دنیا خواست تا به ترامپ فرصت دهند. او گفت که «مردم نباید به بدترین‌ها فکر کنند. بهتر آن است که رویکرد صبر و انتظار را در پیش گیرند و بگذارند ترامپ، فرصت اداره کشور را داشته باشد.»

او با ما تأکید کرد که اغلب سیاستمداران وعده‌هایی می‌دهند که به آن‌ها عمل نمی‌کنند. او گفت: «نکته ساده‌ای که وجود دارد، این است که نمی‌توانید فرض کنید که زبان مبارزه انتخاباتی با ویژگی‌های خاص حکومت کردن، قانون‌گذاری، مقررات و سیاست خارجی یکی است.» او با ما ادامه داد: «من نمی‌توانم تضمین کنم که رئیس جمهور، برخی مواضعی را که اتخاذ کرده است، پیگیری نکند، اما تضمین می‌کنم که واقعیت، او را وادار خواهد کرد تا نحوه رسیدگی به این موضوعات را تعدیل کند. این دفتر نیز دقیقاً همین‌گونه کار می‌کند.» اشتون کارتر، وزیر دفاع نیز، دیدگاه‌های اطمینان‌بخشی ارائه کرد. او تأکید کرد: «علاقه‌مندی‌های آمریکا تغییر نخواهد کرد؛ بنابراین فعلاً باید با دولت اسلامی (داعش) بجنگیم و هنوز هم روسیه را پیش رو داریم. این امر تغییر نخواهد کرد، دنیا هم تغییر نخواهد کرد.»

علاوه بر این‌ها، مقامات مؤسسه مایل بودند تا رهبری جدید را بپذیرند و به

دنبال رگه‌های امید در کابینه ترامپ باشند. به عنوان مثال، وقتی ترامپ ژنرال متیس را به عنوان وزیر دفاع بعدی انتخاب کرد، این مقامات خوشحال شدند. بلافاصله بعد از اعلام نامزدی متیس، کارتر اظهار داشت که متیس «یک دوست است و من برای او بالاترین احترام را قائل هستم.» انتخاب ترامپ برای وزارت امور خارجه، مدیرعامل «اکسون»، یعنی رکس تیلرسون نیز با استقبال روبه‌رو شد. رابرت گیتس، مشاور قبلی او با ما، اظهار داشت که «او بسیار واجد صلاحیت است. او از صحنه بین‌المللی و ژئوپولیتیک بسیار آگاه بوده و مهم‌تر اینکه یک مشاور مطلع و بی‌طرف برای رئیس جمهور است.»

تاکنون مشخص شده است که بعضی انتقادهای ترامپ از مؤسسه، در راستای سیاست خارجی دولت بوده است. اوایل ماه قبل، مشاور قبلی او با ما، دیوید اکسلرود، در توییتی گفت که تعدادی از اولین اقدامات دولت ترامپ شباهت بسیار زیادی به سیاست‌های او با ما دارد: «بخش عمده آنچه مدیر @realDonaldTrump در مورد سیاست خارجی در ۳۶ ساعت گذشته انجام داده، سیاست او با ما بوده که با خشم اظهار شده است.» نیویورک تایمز نیز لحن معتدلی را در پیش گرفت. از اوایل فوریه ۲۰۱۷، عنوان‌های جدید مقالات او شامل موارد زیر است: «ترامپ

ستون‌های سیاست خارجی او با ما را پذیرفته است»، «سیاست خارجی ترامپ، خیلی زود لبه‌های تیز خود را از دست داد» و «از اول آمریکا تا دیدگاهی معمولی‌تر از دیپلماسی ایالات متحده.»

این مؤسسه به طور خلاصه، به نظر می‌رسد مطمئن است که می‌تواند راه خود را با دنیا ادامه دهد. علیرغم همه سروصداها بعد از انتخاب ترامپ - که نگرانی‌های مداوم درباره روسیه، چین و دولت اسلامی (داعش) به آن‌ها دامن می‌زد - مقامات مؤسسه و حامیان آن، به نظر می‌رسد به این باور رسیده‌اند که ترامپ، منظورشان را از این‌که ایالات متحده بخش جدائی‌ناپذیر نظم جهانی است، درک می‌کند. آن‌ها مثل همیشه از امپراتوری حرف می‌زنند و مصمم به حفظ آن هستند. جان کری، وزیر امور خارجه، در آخرین روزهای مسئولیت خود گفت: «من می‌دانم افرادی در حال نگاه به جهان هستند و می‌گویند: وای! خدایا! نظم جهان در حال فروپاشی است و چنین و چنان. نه! مردم، این‌گونه نیست و این‌گونه نخواهد شد.» به عبارت دیگر، امپراتوری اینجا است که باید بماند.

منبع

این مقاله ترجمه‌ای است از یادداشت منتشر شده در مارس ۲۰۱۷ در نشریه ژاکوبین که در آدرس ذیل قابل دسترسی است:
<https://jacobinmag.com/2017/03/obama-trump-mattis-united-states-empire>